

یک منظومه با دو نام متفاوت

هاشم محمدی^۱

چکیده

خواجوی کرمانی، شاعر بزرگ سده هفتم هجری علاوه بر غزل گویی و قصیده پردازی و خمسه سرایی، مثنوی ای در وصف دلاوریها و ماجراهای عاشقانه و دلیرانه سام نریمان، نیای رستم جهان پهلوان دارد و به نام سام نام معروف است که بعضی از محققان در انتساب آن به خواجو تردید کرده اند. با بررسی منظومه های و همایون و سام نامه چنین دریافت می شود که هر دو منظومه در حقیقت یک داستانند، با ابیاتی همانند و داستانی متحد که فقط در نام برخی از قهرمانان اصلی با هم تفاوت دارند و به نظر می رسد شاعر، اول سام نامه را ساخته و بعد با حفظ اجزاء داستانی و ابیات آن، نام شخصیتها را تغییر داده و در نام برخی از مکانها دگرگونی ایجاد کرده است و داستانهای فرعی غیرواقعی، چون نبرد با دیوان و پریان و شگفتیهای برّ و بحر را رها کرده و به جای ۱۴۵۰۰ بیت سام نامه، همایون و همایون را در ۴۴۰۷ بیت، عرضه داشته است. در این نوشتار ساختار هر دو داستان و تشابهات موجود در آنها و تغییر نامها و صحنه ها و وقایع مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها:

خواجوی کرمانی، سام نامه، همای و همایون، وجوه افتراق، مشابهت ها.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران

مقدمه

خواجوی کرمانی (۶۸۹ تا ۷۵۰ هـ. ق) از شاعران بزرگ ایران، در سده هشتم هجری است؛ وی علاوه بر غزل گویی و قصیده پردازی، به خمسه سرایی نیز پرداخته است. مثنوی ششمی نیز بدو منسوب است که «سام نامه» نام دارد که در وصف دلاوریها و ماجراهای عاشقانه و دلیرانه سام نریمان، نیای رستم جهان پهلوان است؛ وجود این مثنویات، در کنار دیوان مفصل وی که به «صنایع الکمال» معروف است، بدین شاعر کرمانی چهره ای پرکار و مبتکر عرضه می‌دارد و نام وی را در کنار بزرگان شعر فارسی و مثنوی سرایانی بزرگ چون فردوسی و نظامی و سنائی می‌نشانند.

استاد صفا می‌نویسند: «با مطالعه در آثار منظوم و مثنوی خواجو که مجموعه عظیمی از غرر الفاظ و دُرر معانی است، به خوبی دریافته می‌شود که او دوستدار حرفه خویش بوده و همه عمر خود را در این راه نهاده و ... علو سخنش در همه جا، اعم از قصاید و غزلها و مثنویها و ترکیبات و ترجیعات و مسمطات و مخمّسها، قدرت او را در سخنوری نشان می‌دهد؛ با این حال وی از اقتفاء استادان پیشین امتناعی نداشت؛ چنانکه در قصاید خویش از سنائی و خاقانی و ظهیر و جمال اصفهانی و دیگر شاعران اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم پیروی کرده و همان لحن و سبک آنان را ادامه داده است و در مثنویهای خود بر روی هم شیوه نظامی و مثنوی گویان قرن هفتم را دنبال کرده و درسام نامه کوشیده است که به دنبال فردوسی رود و مسلماً به عجز خویش در این امر واقف بوده است.» (صفا، ۱۳۶۹: ۹۰۲)

گر از بی نوایی نوایی زدم	به بحر سخن دست و پاییی زدم
سرانجام کردم بدین نامه ختم	که فردوسیش هست و شهنامه ختم
به نزدیک خورشید او ذره‌ام	به دریای گفتار او قطره‌ام
کشیدم یکی جوی آبش طراز	لب جویدان بحر پیوسته باز

(خواجوی کرمانی، ۱۳۸۶: ۷۳۷)

سام نامه

سام نامه منظومه ای حماسی و عشقی به بحر متقارب مثنی مقصور یا مخدوف (فعولن، فعولن، فعولن، فعول (فَعَلَّ)) که مانند همه منظومه های مشابه آن به تقلید از شاهنامه فردوسی ساخته شده و راجع است، به سرگذشت سام نریمان و عشقها و جنگها و ماجراهای او.

استاد صفا، سام نامه را آخرین داستان منظوم از حماسه ملی ایران می داند و معتقدند که این منظومه متعلق به اواخر قرن هفتم و قرن هشتم هجری است و کسانی که آن را متعلق به روزگاری پیش از قرن هفتم می پندارند به خطا می روند؛ زیرا که مطالب این داستان، چنانکه در سام نامه دیده می شود، با عناصر ابداعی تازه ای آمیخته شده است که برخی از آنها متعلق به بعد از رواج داستانهای نظامی است (صفا: ۱۳۶۳: ۳۳۰)

تاریخ اتمام آن هم معلوم نیست؛ شادروان سعید نفیسی حدس زده اند که باید پیش از سال ۷۳۲ یا ۷۴۲ هجری سروده شده باشد. (همان)

بعضی از محققان در انتساب سام نامه به خواجه تردید کرده اند. (همان: ۳۳۹)

تذکره های مهمی چون: مرآة الخیال. مجالس المؤمنین. مجمع الفصحا و تذکره الشعرا، علی رغم آنکه از خواجه و احوال او سخن رانده اند، از سام نامه او حرفی به میان نیاورده اند و در تذکره های مهم زبان فارسی و کتب تاریخ ادبیات مانند تاریخ ادبیات براون و ریپکا هم اشاره ای بدان نشده است.

نخستین محقق که از خواجه به عنوان سرایندهٔ سام نامه، یاد کرده است اشیگل آلمانی است و در ایران مرحوم سعید نفیسی. (مقدمهٔ سام نامه، چاپ، ۱۳۱۹) و (حماسه سرایی در ایران، ۳۳۹)

در بعضی از نسخه‌های حملهٔ حیدری اثر میرزا محمد رفیع خان باذل (متوفی به سال ۱۱۲۴) ابیاتی وجود دارد که باذل نام عده‌ای از حماسه سرایان پیش از خود را یاد می‌کند:

چو در بحر شهنامه کردم گذر	صدفها در آن یافتم پرگهر
رسیدم به فردوسی انجمن	بدیدم سرراه کرده است بند
ز شهنامه بر دوش گرز گران	وز آن گشته سرکوب هر همگان
دگر سواسد شور انداخته	درفش فریدون برافراخته
دگر سو نظامی ستاده چو کوه	ز فرسکندر گرفته شکوه
به سوی دگر جامی آراسته	ز سام نریمان مدد خواسته
به جای دگر هاتفی در فغان	که این بند را بسته صاحبقران

(باذل، بی تا: ۶)

که استاد صفا مصرع اول بیت ماقبل آخر را چنین دیده‌اند که: «به سوی دگر خواجه آراسته» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۳۱) و به این نتیجه رسیده‌اند که باذل از خواجه یاد کرده است، استاد دکتر رستگار می‌نویسد: از آنجا که جامی مثنوی خاصی دربارهٔ سام ندارد، به احتمال فراوان قرائت استاد صفا درست است. (رستگار، ۱۳۷۰: ۱۴)

نکتهٔ دوم در رد انتساب سام نامه به خواجه را دکتر رستگار، صفتهای لفظی و معنوی و ساختاری سام نامه می‌داند، که ابیات ناتندرست فراوان و نقایص وزنی و ضعف تألیف‌ها و کاربردهای عوامانه‌ای در سام نامه وجود دارد که در آثار دیگر خواجه مشاهده نمی‌شود و برخی از اشکالات در وزن و معنا الفاظ عوامانه را توضیح داده است. (همان: ۱۵-۱۴)

اما علی‌رغم این نقایص و اشکالات، به دلایل مختلفی انتساب سام‌نامه را به خواجه مسلم می‌داند؛ نخست اینکه در دو جای سام‌نامه صریحاً ذکر از خواجه شده است:

کسانی که با نیستی خو کنند ز هستی تبراً چو خواجه کنند

(همان، ۱۰۲)

در پایان جلد دوم سام‌نامه:

که خواجه چو عیسی روان بخش باش جهانگیر گردون، جهانبخش باش

(سام‌نامه، ۱۳۶۸: ۷۳۷)

این تصریحات با توجه به قول استاد صفا که می‌نویسد در این ادوار از وجود شخص دیگری که تخلص خواجه داشته باشد، هیچ اطلاعی نداریم (صفا، ۱۳۶۹: ۸۸۶) و این ابیات به هیچ وجه الحاقی و اضافی نیست، نشان می‌دهد که خواجه، در ابیات فوق کسی جز خواجهی کرمانی نمی‌تواند بود و مسلماً سام‌نامه نیز متعلق به اوست. (همان)

اما مهم‌ترین دلیل در تعلق سام‌نامه به خواجه را دکتر رستگار یکی بودن بیشتر مطالب و داستانهای سام‌نامه با همای و همایون می‌داند و می‌نویسد که از قرن هشتم تاکنون کسی به این نکته توجه نکرده است که همای و همایون از گرده سام‌نامه برگرفته شده است و خواجه فقط با تخلص آن کتاب و تعویض نام بعضی از قهرمانان اصلی و مکانهای خاص و حذف و اضافاتی متناسب با شیوه داستان، همای و همایون را به صورت منظومه‌ای عاشقانه و کوتاه‌تر و جمع و جورتر فراهم آورده است. بدون اینکه به طور اساسی در استخوان بندی و طرح کلی داستان عاشقانه‌سام و یا ابیات موجود در آن تغییری ایجاد کند. (رستگار، ۱۳۷۰: ۱۶)

از سام‌نامه نسخ متعددی موجود است که هیچ یک کامل نیست. نسخه چاپی آن (بمبئی ۱۳۱۹ شمسی) تقریباً ۱۴۵۰۰ بیت است که در آن زمان توسط اردشیر خاضع در دو جلد منتشر شده بود و اساس چاپهای بعدی بوده. چاپ جدید به تصحیح خانم دکتر میترا مهرآبادی (۱۳۸۶) از روی همین نسخه و شامل همان ۱۴۵۰۰ بیت است. مستشرق فرانسوی

ژول مول، مترجم معروف شاهنامه در مقدمه کتاب خود ذکر می کند که سام نامه شامل ۱۱۰۰۰ بیت است و نسخه های ناقص آن در کتابخانه ملی پاریس و کتابخانه دیوان هند در لندن موجود است. خانم دکتر میترا مهرآبادی در مقدمه تعدادی از نسخه های ناقص خطی را که در کتابخانه بریتانیای لندن و تهران است معرفی کرده اند. (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۲۲)

خواجو ضمن گزینش داستان همای و همایون، ابیات سست سام نامه را حذف کرده نارسائیهای آن را بر طرف ساخته و بخشهای زاید و داستانهای غیر واقعی چون نبرد با دیوان و پریان و شگفتی های برّ و بحر را رها کرده و به جای ۱۴۵۰۰ بیت سام نامه. همای و همایون را در ۴۴۰۷ بیت که ۹۰٪ آن همان ابیات سام نامه است، عرضه داشته است.

همای و همایون

مثنوی همای و همایون را خواجو در سی سالگی آغاز کرد و از نظر زمان نخستین مثنوی از خمسه خواجو است. این مثنوی بر وزن اسکندر نامه و شاهنامه فردوسی و همان وزن سام نامه است و داستانی است عشقی به سبک داستانهای خمسه نظامی و دارای ۴۴۳۵ بیت. (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۴) استاد صفا درباره همای و همایون نوشته اند: «مثنوی عاشقانه ای است در داستان عشق همای با همایون دختر فغفور چین به بحر متقارب که خواجو آن را به سال ۷۳۲ هجری در ۴۴۰۷ بیت به اتمام رسانید، همای و همایون در چند سال از مسافرت خواجو و خاصه در مدت اقامت وی در بغداد سروده شد و خواجو به تصور آنکه هنگام ورود به آذربایجان آن را به ابوسعید بهادرخان تقدیم دارد، در آغاز آن منظومه، ایلخان و وزیر او غیاث الدین محمد را مدح گفت و چون در ورود خود به اردوی ایلخان با مرگ ابوسعید بهادرخان و ایلخانی اریخان، مواجه شد، به تشویق خواجه تاج الدین احمد آن را به نام شمس الدین صاین و پسرش عبدالملک رکن الدین کرد. (صفا، ۱۳۶۹: ۸۹۸)

استاد ذبیح الله صفا در مقدمه کتاب ورقه و گلشاه، یادآوری کرده بودند که چند بیت اول کتاب تازه به نظر می‌رسد و به خطی غیر از نسخه اصلی و جدیدتر از آن نوشته شده و بر کتاب افزوده شده است. (صفا، ۱۳۴۳: ۵). حدس استاد صفا کاملاً بجای و مناسب بوده است. این ابیات با جابجایی در مقدمه منظومه همای و همایون خواجوی کرمانی، دیده می‌شود و ترتیب ابیات به شرح زیر است بیت اول تا پنجم به ترتیب همان مقدمه همای و همایون است. بیت ۶ (در بیت ۶۱) همای و همایون و بیت ۷ (بیت ۶۲)، بیت ۸ (بیت ۶۴)، بیت ۹ (بیت ۶۵)، بیت ۱۰ (بیت ۶۷) و بیت ۱۱ (بیت ۶۳)، بیت ۱۲ (بیت ۱۳۳)، بیت ۱۳ (بیت ۱۳۴) بیت ۱۴ (بیت ۱۳۵) بیت ۱۵ (بیت ۱۳۶) و بیت ۱۶ (بیت ۱۶۳)، ۱۶ بیت اول مقدمه با جابجایی تکرار شده و معلوم نیست دستبرد کاتبان بوده و یا عوامل دیگری در آن دخالت داشته است. (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۶۱)

خلاصه داستان سام نامه

سام نریمان از دخترپادشاه بلخ متولد می‌شود و پس از بزرگ شدن، روزی به شکار می‌رود و پری‌ای را در شکل گور می‌بیند که عالم افروز نام دارد. سام به ایوان او می‌رود و صورت پری دخت دختر فغفورچین را می‌بیند و دلدادۀ او می‌شود و از حرمان او بی‌تابی می‌کند تا فردای آن روز که آفتاب بر می‌آید و لشکر سام پیش او می‌آید و سام با آنان سخن می‌گوید. همزاد او به نام قلواد که از یک دایه شیر خورده بودند به همراه او به راه می‌افتد و به طرف چین می‌روند. بر سر راه در کنار دریایی با ۴۰ دیو زنگی برخورد می‌کنند که یکی از آنان آدمخواره‌ای بوده به نام سمندان. قلواد گرفتار و اسیر زنگیان می‌شود. سام، سمندان را می‌کشد و قلواد را رها می‌سازد. در راه رسیدن به خاور زمین ازدهایی را می‌کشد و مدتی در خاور زمین به پادشاهی می‌نشیند. سام پری دخت را در عالم خواب می‌بیند و بی‌تابی می‌کند.

روزی به شکار می‌رود و قلوش پسر عموی نریمان را می‌بیند و در آنجا ژندجادو دیو و برادر او به نام مکوکال دیو را از بین می‌برد؛ از طرفی پرینوش خواهر پریدخت که قبلاً سام را دیده بود، بهم می‌رسند و پرینوش از سام تعریف می‌کند. سام به درگاه فغفور چین می‌آید و پری دخت را می‌بیند و از هوش می‌رود و با شمع راز و نیاز می‌کند؛ فغفور چین از روی مکر و حيله با سام به شکار می‌رود و سام به باغی می‌رسد و در آنجا برای پری دخت غزلسرای می‌کند. پری دخت به نزد او می‌آید و پادشاه چین از این ملاقات با خبر شده و سام را در بند گرفتار می‌کند. قمر رخ دختر سهیل قلعه دار به بندخانه می‌رود و سام را آزاد می‌کند. سام دوباره به پای قصر پریدخت می‌رود و با هم مناظره می‌کنند و سام از ناراحتی سر به کوه و بیابان می‌گذارد و با وحوش مانوس می‌شود. پری دخت ناراحت شده و به دنبال او می‌رود و حتی با او به مصاف می‌پردازد.

پادشاه از رها شدن سام از بند و کار پری دخت آگاه می‌شود و به دنبال سام می‌رود و با او به جنگ می‌پردازد و قلواد و قلوش به یاری سام می‌آیند و سام رهایی پیدا می‌کند. در این میان جنگهایی روی می‌دهد جنگ سوار خاوری و فرستو و و کشته شدن فرستو به دست قلواد و نیز مرگ طغانشاه فرزند پادشاه چین و کشته شدن طغرل تکش به دست سام نریمان و شبیخون زدن فرینوش و فرشاد، سالاران فغفور چین با دیوزاده فرهنگ که طغانشاه را کشته بود و همچنین دومین نبرد سام با فغفور چین با دیوزاده فرهنگ که طغانشاه را کشته بود در همین زمان رخ داده است.

برای رسیدن دوباره سام به دربار فغفور چین با نهنکال دیو به جنگ می‌رود و با دیوان دیگری به نام فرعین دیو، فرهنگ دیوزاده، به نبرد برمی‌خیزد. تکش خان (پادشاه تاشکن) (تاشکند) با سام نریمان ابتدا به جنگ می‌پردازد و بعد با هم متحد می‌شوند و تکش خان، سام را یاری داده تا به جنگ فغفور برود. سهیل جهانسوز پدر قمررخ سام نریمان را

می بیند و با هم به نبرد می پردازند و سهیل جانسوز کشته می شود. سام بدست عالم افروز پری گرفتار شده و قلواد و قلووش به طلب او می روند و او را یاری می رسانند و عالم افروز سرانجام به دست سام کشته می شود. از آن طرف پادشاه چین پری دخت پریان، پری دخت را از سردابه بیرون آورد. اما هر دو به دست ابرها دیو گرفتار می شوند و اینجاست که نامه ای از منوچهر شاه به نزد سام می رسد (جلد اول سام نامه در اینجا به پایان می رسد).

آغاز جلد دوم هم نبردهای مختلف سام است: جنگ با دیوانه شاه پور (دیو)؛ رفتن به سقلاب و جادویی کردن عاق جادو سام را و در طلسم انداختن؛ مکر نمودن قهرمان، پادشاه سقلاب با سام و آمدن فرهنگ و آگاه کردن سام را؛ سام قمرتاش را به جای قهرمان در سقلاب می نشاند و خود به مغرب می رود، در راه با دیو ره دار می جنگد و در شهر سگسار با سگساریان نبرد نموده، پادشاه آنان را به نام کلاب را از بین می برد و بعد به شهر نیمه تنان می رسد. تنبل جادو در اینجا سام را کور می کند که به دست شمس خاوری کشته می شود و سام نجات پیدا می کند و نیم تنان را می کشد و به جانب شداد عاد می رود. شداد خبردار می شود و زرینه بال دیو را به جنگ سام می فرستد ولی او به دست سام کشته می شود شدید شاه روم پسر شداد به جنگ سام می آید. سام با آنان به نبرد می پردازد. طلاج دیو را می کشد و با تسلیم شاه یمن و رحمان جنی و مرغ آتش فشان و ارقم دیو هم جنگ می کند و آنها را می کشد شدید نامه ای به نزد عوج بن عنق، پادشاه مغرب زمین می نویسد و عوج را به نبرد سام فرا می خواند. پادشاه طنجه به یاری سام می آید و سام با عوج بن عنق و قهقهام دیو می جنگد و آنان را از بین می برد و قلواد را که گرفتار شده بود، آزاد می کند. خاتوره، مادر عوج به یاری شدید می آید اما به دست سام کشته می شود. در ادامه هم جنگ اهرن دیو با سام و کشته شدن اهرن، جنگ خرطوس از فرماندهان سپاه شداد با سام آمده است.

سام با قلواد به کوه فنا می روند و از آنجا به دشتی می رسند که به شهر زنان معروف است و پادشاه آنان حورا، نام دارد. حورا سام را میهمانی می کند و بعد سام به پای همان کوه می رود و با ابرها دیو که در بالای کوه بوده و سایر دیوان به نبرد می پردازد. ابرها دیو را گرفتار

می‌کند و نامه‌ای به فغفور چین می‌نویسد و به چین می‌رود و با فغفور به نبرد می‌پردازد و خود بر تخت فغفور می‌نشیند و با پری دخت ازدواج می‌نماید و چندین روز مجلس و محفلی می‌آرایند و شادی و خوشحالی می‌کنند و بعد قمرتاش را به جای خود بر تخت می‌نشانند و خود به طرف خاور زمین و ایران می‌آید و قلوش را هم در خاور زمین بر تخت می‌نشانند و خودش به ایران آمده و منوچهر شاه به استقبال او می‌آید و به خوشی و خرّمی روزگار می‌گذراند.

خلاصه داستان همای و همایون

خداوند به منوشنگ قرطاس، پادشاه شام، فرزندی به نام همای می‌دهد و پادشاه او را بر اسبی به نام غراب می‌نشانند و روانه نخجیر می‌کند. همای به باغ پریان می‌رسد و صورت همایون را می‌بیند و عاشق می‌شود. لشکریان او می‌رسند و او پیغام به پدر و مادر می‌رساند و با همزاد خود بهزاد به طلب همایون می‌رود. در راه به ۴۰ زنگی آدمی خوار برخورد می‌کنند که سمندون زنگی آدم خوار هم پادشاه آنان است. همای و بهزاد از دست زنگیان رها شده و به خاور می‌رسند که پادشاهی به نام شاوران آنجا بوده است. شاهزاده همای در خاور زمین مدتی به پادشاهی می‌نشیند و بر یاد همایون عشق می‌بازد و بزمی می‌آراید و شب مهتاب بر یاد همایون شراب می‌نوشد. بهزاد به بلخ می‌رود و عاشق آذرافروز شمع توران زمین می‌شود؛ از آن طرف در نخجیرگاه فهرشه (فرشته)، ابن عم منوشنگ هم به نزد شاهزاده همای می‌آید و برشمسه خاوری، دختر ملک شاوران شاه چین عاشق می‌شود. شاهزاده همای در راه رفتن به چین به سعدان بازرگان تاجر دختر فغفور چین برخورد می‌کند و خود را قیس قیسان بازرگان معرفی می‌نماید و از آنجا به زرینه دز می‌رود و زند جادو را می‌کشد و پری زاد دختر خاقان چین را که قبلاً گرفتار شده بود آزاد می‌کند. همای به درگاه فغفور چین می‌رود و همایون را

می بیند و به او دل می بندد و راز خود را با شمع در میان می گذارد و زاری می کند. فغفور با شاهزاده به نخجیر می رود ولی با مکر و حيله او را در بند می کند.

سمن رخ دختر سهیل جهانسوز شاهزاده همای را خلاصی می دهد و همای به پای قصر همایون می آید، مناظره می کنند و به نبرد می پردازند.

فهرشاه و بهزاد با لشکر خاور به شاهزاده می رسند. فغفور چین همایون را در زیر زمین نهان می کند و آوازه می افکند که مرده است و به طریق مکر و زاری دیگران را فریب می دهد. فرینوش هم بر پری زاد عاشق شده و راز آنان آشکار می شود و به نزد شهزاده همای می آیند. شاهزاده همای با فغفور چین جنگ می کند و فغفور به دست همای کشته می شود.

همای بر تخت پادشاهی می نشیند و فرینوش فرزند و زیر روشن ضمیر خاقان شفیع پدر می شود و شاهزاده همای او را عفو می کند و بزمی می آراید و همایون را به عقد خود در می آورد. پس از آن مملکت فغفور و پری زاد خاقان را به فرینوش می دهد و او را ولیعهد خود می کند و بعد به خاور زمین می رود و شمسۀ خاوری و آذر افروز را با فهرشاه و بهزاد به عقد و ازدواج یکدیگر در می آورد و به شام می آید و به پادشاهی می نشیند و پس از مدتی از دنیا می رود و مملکت را به جهانگیر فرزند خود واگذار می کند.

مقایسه داستان سام نامه و همای و همایون

ردیف	سام نامه	ردیف	همای و همایون
۱	متولد شدن سام نریمان از بطن دختر پادشاه بلخ	۱	متولد شدن همای فرزند منوشنگ قرطاس پادشاه شام
۲	منوچهر پادشاه اسبی به نام غراب به سام می دهد جهت رفتن به شکار	۲	منوشنگ اسبی به نام غراب به همای می دهد و او را روانه نخجیر می کند
۳	رفتن سام به شکارگاه و دیدن پری در هیئت گورخر با نام عالم افروز و دیدن صورت و نقش پریدخت دختر فغفور چین و عاشق شدن بر او	۳	رفتن شاهزاده همای به شکارگاه و دیدن باغ پریان و نظاره کردن صورت همایون و عاشق شدن بر او
۴	عزم رفتن به چین همراه همزاد خود به نام قلواد	۴	عزم رفتن به چین همراه همزاد خود به نام بهزاد
۵	برخورد با ۴۰ زنگی آدمیخوار و کشتن رهبر آنها به نام سمندان زنگی	۵	برخورد با ۴۰ زنگی آدمیخوار و کشتن دیو بزرگ به نام سمندون زنگی
۶	گرفتار شدن قلواد به دست زنگیان و رهایی او توسط سام و رفتن به چین	۶	گرفتاری بهزاد به دست زنگیان و رهایی او به دست همای و رفتن به چین
۷	برخورد با گوهر فروشی به نام سعدان تاجر دختر پادشاه چین و معرفی خود با نام قیس قیسان به گوهر فروش	۷	برخورد با بازرگان سعدان نام و معرفی خود با نام ویس و یسان به بازرگان
۸	رفتن به خاور زمین نزد ملک ضیمران پادشاه آنجا	۸	رفتن به خاور زمین نزد ملک شاوران پادشاه آنجا
۹	عاشق شدن قلواد بر مهرافروز دختر شاه ضیمران	۹	عاشق شدن بهزاد بر آذرافروز دختر پادشاه شاوران
۱۰	آمدن قلووش پسر عمومی نریمان نزد آنها و عاشق شدن بر شمشه خاوری دختر ملک ضیمران	۱۰	آمدن شهرشاه (فهرشه - فرشته - فرسته) ابن عم منوشنگ نزد آنها و عاشق شدن بر شمشه خاوری دختر ملک شاوران
۱۱	رفتن سام به نزد فغفور چین و گرفتار شدن او	۱۱	رفتن همای به بارگاه پادشاه چین و گرفتاری او
۱۲	خلاصی یافتن سام توسط قمررخ دختر سهیل جهانسوز قلعه دار	۱۲	خلاصی یافتن همای توسط سمن رخ دختر سهیل جهانسوز قلعه دار
۱۳	کشتن اژدها و زندجادو (دیو) و برادر او به نام مکوکال دیو در گنجینه دژ	۱۳	کشته شدن زند جادو دیو در زریته دژ
۱۴	همکاری و همیاری قلواد و قلووش در جنگها با سام	۱۴	همکاری و همیاری شهرشاه و بهزاد در جنگها با همای
۱۵	دیدن پری نوش خواهر پریدخت را در راه آمدن به چین	۱۵	دیدن پریزاد دختر پادشاه و خواهر همایون در راه آمدن به چین
۱۶	گرفتاری سام در چین توسط فغفور پادشاه و مکر و حیله پادشاه با او	۱۶	گرفتاری همای در درگاه فغفور چین و مکر و حیله پادشاه با او

حذف در همای و همایون	۱۷	ناراحتی سام و سر به کوه و بیابان گذاشتن و با وحوش مأنوس شدن	۱۷
حذف در همای و همایون	۱۸	گرفتاری دوباره سام و رهایی او توسط قلواد و قلوش و جنگ فرستادگان فغفور با سام	۱۸
حذف در همای و همایون	۱۹	کشته شدن سوار خاوری به دست فرستو (فهرشه) و کشته شدن فرستو به دست قلواد	۱۹
حذف در همای و همایون	۲۰	مرگ طغانشاه فرزند پادشاه چین و کشته شدن طغرل تکش از فرماندهان سپاه فغفور به دست سام	۲۰
حذف در همای و همایون	۲۱	شبیخون زدن فرینوش و فرشاد سالاران فغفور چین و دومین نبرد سخت سام با پادشاه چین و پیروز شدن و رهایی یافتن	۲۱
حذف در همای و همایون	۲۲	نبرد سام یا نهنگال دیو و دیوان دیگر به نام فرعین دیو - فرهنگ دیو زاده	۲۲
حذف در همای و همایون	۲۳	کشته شدن سهیل جهانسوز به دست سام - گرفتاری سام توسط عالم افروز پری و رهایی یافتن او با کمک قلواد و قلوش و کشته شدن عالم افروز	۲۳
حذف در همای و همایون	۲۴	پنهان کردن پریدخت توسط پادشاه در سردابه و اعلام آوازه ی مرگ او به دروغ و افشای خبر به وسیله رضوان دخترشاه پریان به سام	۲۴
حذف در همای و همایون	۲۵	نبردهای دوباره سام با دیوان : ابرها دیو - دیوانه شاه پور - دیو ره دار - تنبل جادو سگساریان - زربینه بال دیو - طلّاج دیو - رحمان جنی - ارقم دیو - قهقهام دیو	۲۵
حذف در همای و همایون	۲۶	رفتن به سقلاب و جادو شدن توسط عاق جادو و در طلسم فرو رفتن و سرانجام رهایی یافتن	۲۶
جنگ کردن شاهزاده همای با پادشاه چین و کشته شدن پادشاه و بر تخت نشستن همای	۲۷	رفتن به چین و نبرد با فغفور چین و کشتن او و بر تخت نشستن	۲۷
ازدواج همای و همایون و واگذاری مملکت به فرینوش فرزند وزیر خاقان و آمدن به شام و بر تخت نشستن و پس از مدتی مملکت را به جهانگیر فرزند خود واگذار نمودن و زندگی درکمال خوشی و خرمی	۲۸	ازدواج با پریدخت و نشانیدن قلوش به جای خود بر تخت و به ایران آمدن و مورد استقبال منوچهر شاه قرار گرفتن و به خوشی و خرمی روزگار گذرانیدن	۲۸

با بررسی جدول مقایسه‌ای چنین دریافت می‌شود که این دو منظومه یک داستانند؛ فقط در نام برخی از قهرمانان اصلی با هم تفاوت دارند، خواجه نام سام را به همای و نام معشوق سام پری دخت را به همایون، ویس و یسان را به قیس قیسان، قمررخ را به سمن رخ، گنجینه دژ را به زرينه دژ و ... تغییر داده و در نام برخی از مکانها دگرگونی ایجاد کرده و با افزودن مقدمات و مؤخرات و حذف بخشهایی از سام نامه: مانند داستانهای فرعی و جنگ با دیوان شگفتیهای برّ و بحر و اعمال محیّر العقولی مانند احوال سام با عاق جادو، رفتن به مغرب و جنگ با نیمه تنان و شدّاد و باریدن باران به دوزخ شدّاد و بهشت شداد و ... حدود ده هزار بیت از سام نامه را حذف نموده و کوشش او بر این بوده است که داستانی عاشقانه و غیرحماسی عرضه بدارد. که دارای انسجام لفظی و معنوی باشد و با داستانهای غنایی قبل از خود همانند نظامی و پیروانش قابل مقایسه باشد که این تأثیرپذیری در مواردی بسیار آشکار است: مناظرات سام و پریدخت مأخوذ از خسرو و شیرین نظامی، سر نهادن سام به کوه و بیابان و مأنوس شدن با وحوش مأخوذ از داستان لیلی و مجنون. پنهان کردن پریدخت توسط پادشاه و اعلام آوازه مرگ او همانند: پنهان نمودن گلشاه معشوقه ورقه بوسیله پدر و با اعلام اینکه گلشاه مرده است. گوسفندی را کشته، آن را در کفن پیچیده و به خاک سپرد و ورقه هم گمان کرد، قبر گلشاه است. (عیّوقی، ۱۳۸۴: ۳۳)

نتیجه گیری

سام نامه و همای و همایون در واقع یک کتابند با دو نام و از یک شاعر می‌باشند. خواجه ابتدا سام نامه را به عنوان داستانی حماسی و در اوج دوران جوانی در ۱۴۵۰۰ بیت سروده و پس از آن با توجه به اهمیت و ارزش داستانهای غنایی و غروب عصر حماسه‌ها، با حفظ کلیت داستان و جانشین کردن نامهای تازه به جای برخی از نامهای کهن در سام نامه و حذف ابیات سست و ناقص و داستانهای غیرواقعی و فرعی بر حسب ضرورت و اقتضاء ذوق سلیم، صورتی دلپذیر از داستان را با نام همای و همایون نزدیک به ۴۵۰۰ بیت عرضه داشته است و از یک مثنوی طولانی و خسته کننده و کم احساس، اثری جالب و پرجاذبه به دست داده است و این هنر اعجاب انگیز شاعر است که چگونه از یک مثنوی بلند اجزاء و نامهایی را حذف کرده، بدون اینکه در ترکیب قوافی و معانی خللی وارد شود و چگونه مهارت شاعری می‌تواند اثری را ویراسته دارد.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- ۱ - باذل ، میرزا محمد رفیع . ابن محمد المشهدی . حمله حیدری ، بی جا ، بی تا
- ۲ - خواجهی کرمانی ، (۱۳۷۰)، خمسه ، به تصحیح سعید (نیاز کرمانی) ، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۳ - خواجهی کرمانی ، (۱۳۱۹) ، سام نامه ، تصحیح اردشیر بن شاهی آذر، ج ۱ و ۲ - بمبئی.
- ۴ - _____ ، (۱۳۸۶) ، سام نامه ، تصحیح دکتر میترا مهرآبادی ، دنیای کتاب ، تهران.
- ۵ - رستگار ، دکتر منصور ، (۱۳۷۰) ، برگزیده سام نامه ، اثر ابوالعطا کمال الدین محمود (خواجهی کرمانی)، انتشارات نوید ، شیراز.
- ۶ - صفا ، دکتر ذبیح الله ، (۱۳۶۹) ، تاریخ ادبیات در ایران ج ۳/۲. انتشارات فردوس ، تهران.
- ۷ - _____ ، (۱۳۶۳) ، حماسه سرائی در ایران ، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۸ - عیوقی ، ورقه و گلشاه ، (۱۳۸۴) ، مقدمه ، تصحیح و تحشیه دکتر هاشم محمدی ، انتشارات فریاد کویر، نورآباد.

Archive of SID